

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

کذب کلام نیز با ملزم سنجیده می شود بنابراین کنایات نیز مثل غیر کنایات کافی می باشد.

مرحوم آخوند خراسانی در ص ۳۶ و ۳۷ از حاشیه بر مکاسب فرموده اند الفاظ کنایات کافی نیست زیرا دلالت لفظ در باب کنایات موهون می باشد چونکه دلالت اصلی متعلق به لازم است و لازم هم بیع نیست و تا دلالت به ملزم بر سر واسطه هایی می خورد که این واسطه ها باعث بوجود آمدن و هن در دلالت لفظ می شوند در حالی که الفاظ بیع باید صریح و محکم باشند و موهون نباشند.

این حرف مرحوم آخوند درست نیست زیرا و هن در اینجا معنی ندارد بلکه همان طور که عرض کردیم در کنایات عنایت بسیار زیادی به ملزم وجود دارد و صدق و کذب و عنایت و اهتمام تماماً به ملزم می باشد و در باب بیع وقتی گفته می شود سلطُتُک علیه بکذا در واقع عنایت دارد به اینکه این مال مملوک شماست و مال شما می باشد لذا چون چنین عنایتی وجود دارد اهل عرف از این کلمه (سلطُتُک) به ملزم منتقل می شود و خیلی هم خوب کلام را می فهمد بنابراین کلام مرحوم آخوند در اینجا مردود می باشد.

مرحوم نائینی کلام دیگری دارند و آن اینکه ایشان فرموده اند ادله‌ی داله بر عقود و ایقاعات از الفاظ کنایی انصراف دارند و فقط شامل الفاظ صریح می شوند، بله ما قبول داریم که در بعضی از جاها بعضی از الفاظ انصراف دارند ولی ما در این موارد به منصرف عليه توجه نداریم و لفظ را بر معنای خودش حمل می کنیم مثلاً اگر کسی بگوید یک لیوان آب به من بدھید اگر یک

وفات حضرت مصصومه(س) را تسلیت عرض می کنیم و همچنین از مردم هوشمند و متدين ایران بخاطر شرکت در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و خلق آن حمامه بزرگ تشکر می کنیم.

بحثمان درباره الفاظ عقود بود ، گفتیم که الفاظ عنایون مختلفی (صراحت و ظهور ، حقیقت و مجاز و کنایه) دارند و أوفوا بالعقود و أحلَّ الله البيع و امثال ذلك محمول بر متعارف هستند و نظر به مسیبات دارند و اما در مورد اسباب باید عرض کنیم که هر آنچه که در عرف متعارف باشد و صدق کند که بیع و هبه و قرض و... است کافی می باشد.

عرض کردیم که علامه نائینی در منیه الطالب اشکالی به الفاظ کنایات کرده و فرموده نمی شود که الفاظ عقود از کنایات باشد زیرا کنایه ذکر لازم و اراده ملزم می باشد و عنایت به لازم است و لفظ در لازم استعمال شده و انتقال به ملزم یک انتقال تبعی و به عنوان داعی می باشد و این در بیع کافی نیست بلکه در بیع باید الفاظ خیلی صریح و روشن باشند و دلالتشان قوی باشد لذا اگر گفته شود سلطُتُک علی هذا المال بهذا چون که کنایه است کافی نیست.

در جواب عرض شد که ما باید به عرف مراجعه کنیم و در عرف نظر اصلی به همان ملزم است و دلالتش تبعی نسیت بلکه مقصود جدی و اصلی ملزم است و صدق و

زیاد می بینیم بنابراین هر لفظی که مفید یک معنای روشنی باشد کافی است خواه کنایه باشد یا مجاز یا حقیقت مثلاً می گوئیم ما دیروز با شرکت در انتخابات سیلی به صورت آمریکا زدیم خوب این کلام کنایه از این است که آمریکا را خوار و خفیف کردیم و غلبه و قدرت و همت و اراده خودمان را به رخ او کشیدیم ، خلاصه اینکه هر لفظی که معنی را به روشنی برساند کافی خواهد بود ، بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله

والحمد لله رب العالمين أولاً و آخرأ و صلى الله على

محمد و آلـهـ الطـاهـرـين

لیوان از آب شور بحر خزر را به او بدهیم در چنین صورتی لفظ آب بیاور از آن آب شور انصراف دارد و لو اینکه کلمه آب لغتاً شامل آب بحر خزر نیز می شود بنابراین انصراف در صورتی است که اگر شخصی به آن عمل کند مورد عتاب و خطاب قرار می گیرد و به او گفته می شود که باید توجه داشته باشی که مقصود از لفظ آب چیست ، خلاصه اینکه مرحوم نائینی می خواهد بگوید که الفاظ مربوط به عقود و ایقاعات از کنایات انصراف دارند لذا به کنایه عقد بیع صحیح نمی باشد .

حضرت امام(ره) در ص ۳۱۹ از جلد اول کتاب بیعشان در جواب از اشکال مرحوم نائینی فرموده اند اینطور که شما می گوئید پس ما باید اوفوا بالعقود را بر یک معنای دیگری که شامل کنایات نباشد حمل کنیم و حال آنکه العقود جمع محلّی به الف و لام است که افاده عموم می کند و شامل هر عقدی که منعقد شود می شود پس از الفاظ کنایی انصراف ندارد .

به نظر بnde طور دیگری باید جواب داد زیرا مرحوم نائینی نیز قبول دارد که الف و لام العقود استغراق و جنس است و مفید عموم می باشد ولی ایشان می فرماید انصرافش به خاطر الف و لام نیست بلکه از لفظ العقود یک معنای متعارفی متبار می شود که آن معنی از الفاظ کنایی انصراف دارد ، بnde در جواب عرض می کنم که اوفوا بالعقود و أحلَّ الله البيع به مسببات نظر دارند و به الفاظ و اسباب خیلی کار ندارند بلکه در عرف هرسیبی که باعث شود که به آن عقد و بیع بگویند کافی است و در نظر أهل عرف لفظ کنایی بسیار روشن است و زیاد بکار برده می شود مخصوصاً در کلام شعرانظیرش را